

مشاور تربیتی و آغاز مبارک

از پیش دبستانی آغاز کنیم!

گفت و گو با دکتر سعید مذبوحی، استاد گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی

نقدی بر آشناسازی دیر هنگام دانش‌آموزان با دنیای کسب و کار

گفت و گو و گزارش: محمد دشتی

... ۸۰ هزار نفر برای شرکت در آزمایش ورودی دانشگاه‌ها و مؤسسات عالی ثبت‌نام کردند ... مسابقه‌ای که می‌توان گفت همه‌ساله چند ماه متوالی چون تپی سوزان به جان جوانان آرزومند تحصیلات عالی و خانواده‌های آنان می‌افتد ... نوشته بالا آن قدر آشنا به نظر می‌آید که شاید نتوانید تصور کنید این متن گزارشی در صفحه ۵ روزنامه اطلاعات یکشنبه ۷ خردادماه ۱۳۵۱ (حدود ۶۰ سال و سه ماه قبل) درباره شرکت ۸۰ هزار نفر داوطلب در آزمون سراسری دانشگاه‌هاست. نخستین آزمون سراسری دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۰ با شرکت ۳۰۰ داوطلب، آن هم در رشته پزشکی برگزار شد که در این آزمون فقط هشت دختر شرکت داشتند. این در حالی است که تعداد ثبت‌نام‌کنندگان در آزمون سراسری سال ۱۴۰۰، یعنی حدود ۸۰ سال بعد، به یک میلیون و ۴۷۸ هزار نفر رسید. از این تعداد ۹۱۲ هزار و ۸۶۹ نفر زن و ۵۷۳ هزار و ۸۳۶ نفر مرد بودند. فرصتی دست داد تا در دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی «دانشگاه علامه طباطبایی» با دکتر سعید مذبوحی، استاد گروه آموزش و پرورش این دانشکده در خصوص نقش و تأثیر راهنمایی و مشاوره و اهمیت آن در دوره‌های تحصیلی گفت و گو کنیم. گفت و گو و صحبتی که مثل بسیاری از موضوع‌های امروز آموزش و پرورش به مسئله آزمون سراسری دانشگاه‌ها کشید و آن قدر پررنگ و جدی شد که به ناچار سرآغاز این گزارش را نیز به بحث آزمون سراسری اختصاص دادیم. در ادامه متن گفت و گو با این استاد جوان و خوش اخلاق را که با آمادگی و حضور ذهنی قابل تحسین در این گپ و گفت صمیمی شرکت کردند، با هم می‌خوانیم.



مشاوره در مدارس

● آقای دکتر! با تشکر از حضورتان در این گفت و گو، لطفاً از موضوع مشاوره و راهنمایی برایمان بگویید.

فلسفه وجودی برنامه‌ریزی درسی و به تبع آن، مشاوره تحصیلی، انتخاب و شناسایی استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان، برای ورود به رشته‌های تحصیلی در دانشگاه، به‌منظور انتخاب شغل و حرفه و همچنین غلبه بر مانع‌ها و مشکلات تحصیلی و حتی خانوادگی است. از آنجا که انسان دارای ابعاد متفاوت اجتماعی، فردی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی است، در حوزه مشاوره تحصیلی و برنامه‌ریزی درسی باید به همه این ابعاد توجه بشود. متأسفانه در این حوزه صرفاً به برنامه‌ریزی درسی و تحصیلی، آن هم به جدول زمانی درس‌ها توجه می‌شود. بنابراین برای موفقیت در مبحث برنامه‌ریزی درسی، مشاوره تحصیلی، و به‌صورت اختصاصی‌تر آزمون سراسری، لازم است کودک و دانش‌آموز را از دوره پیش‌دبستانی که شخصیتش در حال شکل‌گیری است، تحلیل و بررسی کنیم و علاقه‌ها، استعدادها و ظرفیت‌های وجودی کودکان را از آن زمان مورد شناسایی قرار دهیم.

● در بقیه کشورها نگاه به موضوع مشاوره و راهنمایی چگونه است؟ در تمام کشورهایی که به مشاوره تحصیلی و روان‌شناسی دانش‌آموزان توجه می‌کنند، برنامه‌ریزی درسی و مشاوره تحصیلی روی علاقه‌ها، استعدادها و شکوفایی ظرفیت‌ها و توانایی‌های دانش‌آموز و کودک متمرکز است. بنابراین این موضوع یک «پارادایم» علمی و تخصصی است که متأسفانه در جامعه ما فقط بحث ورود به دانشگاه در آن مطرح است و در دبیرستان‌ها رشته علوم تجربی و در دانشگاه‌ها علوم پزشکی مورد توجه خانواده‌هاست.

موضوع این است که از همان دوره پیش‌دبستانی هر کودکی باید مانند پرونده پزشکی، یک پرونده اختصاصی تحصیلی و استعداد و علاقه داشته باشد و به کمک مشاور، استعدادها، علاقه‌ها و توانمندی‌های ذاتی و احیاناً آنچه که می‌تواند کسب کند، تا دوره دبیرستان در آن ثبت شود.

البته در کنار آن نباید این مانع خودساخته آزمون سراسری وجود داشته باشد. زیرا در تمامی کشورهای دنیا و کشورهایی که به لحاظ آموزشی توسعه یافته هستند، چیزی به نام آزمون سراسری نداریم. آزمون سراسری

در نظام آموزشی و اجتماعی ما مانع، مشکل و سد خودساخته‌ای است که هزینه‌های گزافی را به خانواده‌ها تحمیل می‌کند تا بتوانند از این سد و مانع بگذرند. این در حالی است که خیلی‌ها موفق به پرش از این مانع و عبور از آن نمی‌شوند. آن‌هایی هم که موفق به عبور می‌شوند، وارد دنیای جدیدی می‌شوند که شناختی از آن ندارند و معمولاً به توقعات ذهنی آنان پاسخ داده نمی‌شود.

● اما انگار وضع در ایران فرق می‌کند و آزمون سراسری دانشگاه‌ها یا کنکور جایگاه ویژه‌ای دارد که خیلی از فعالیت‌های دیگر را، از جمله در حوزه مشاوره و راهنمایی، بی‌اثر یا منحرف می‌کند!

بله متأسفانه! وضعیت ما به گونه‌ای است که تمام برنامه‌ریزی درسی و تحصیلی، مشاوره و آزمون سراسری دانشگاه‌ها در نظام آموزشی ایران در ورود به رشته‌های علوم پزشکی و زیرمجموعه‌های آن خلاصه شده است و بقیه رشته‌ها در گروه‌های علوم انسانی، هنر و ... جذابیت چندانی ندارند. موضوعی که باعث شده است، مافیایی به نام آزمون سراسری در برابر فرزندان ما قد علم کند و با ایجاد و تقویت نظام‌های آموزشی حاشیه‌ای، بازار مکاره‌ای را شکل داده است که حاصل و خروجی آن ایجاد فشار روانی در دانش‌آموزان و اضطراب و نگرانی در خانواده‌هاست.

نکته غم‌انگیز این داستان و ماجرا آن است که وقتی افراد نخبه و با استعداد کشور به این حوزه می‌آیند، عملاً نابرابری‌ها تقویت می‌شوند و افرادی که از این رقابت ناسالم عقب می‌مانند، عملاً به حاشیه رانده می‌شوند.

● اما می‌بینیم که در برهه‌هایی از زمان و از جمله در زمان حال، تلاش‌هایی برای آشنایی بیشتر بچه‌ها با بازار کار و در نتیجه کمک به انتخاب شغل توسط آنان در جریان است.

همین‌طور است! «هفته معرفی مشاغل» باید به خوبی و به درستی مورد توجه قرار گیرد و مدرسه‌ها و مشاوران تحصیلی در مدرسه‌ها هفته معرفی مشاغل را به صورت علمی و اختصاصی پیش ببرند. در حال حاضر، به جای اینکه دانش‌آموزان را به اجتماع ببرند و با صنعت و شغل‌های متفاوت آشنا کنند، افرادی از شغل‌های متفاوت در این هفته به مدرسه می‌آیند و شغلشان را معرفی می‌کنند؛ کاری که در حد و اندازه خود مفید است، اما نمی‌تواند برای دانش‌آموزان راهگشا، آگاهی‌بخش و مفید باشد.

در حالی که در گذشته‌های نه چندان دور، طرحی با عنوان «طرح کاد» یا همان «کار و دانش» داشتیم که بچه‌ها از دوره اول متوسطه یا پایان دوره راهنمایی تحصیلی، هر هفته روز و یا ساعاتی را در کارگاه‌ها و مراکز صنعتی، تولیدی، خدماتی، درمانی و ... حضور پیدا می‌کردند و با انجام کارآموزی عملی، به نوعی با شغل‌ها آشنا و همراه می‌شدند. کاری که می‌توانست به آنان کمک کند، با یافتن علاقه‌ها و استعداد‌های خود، برای آینده شغلی را که می‌پسندند انتخاب کنند و در ادامه مسیر تحصیلی خود، در همان زمینه تحصیل و کسب دانش کنند. طرحی که اگر خوب اجرا می‌شد، می‌توانست خیلی اثربخش باشد، اما ادامه پیدا نکرد. فعلاً در این زمینه هفته معرفی مشاغل را داریم که آن هم به شکل اصولی و اساسی برگزار نمی‌شود.

● جالب است که این اقدامات سابقه زیادی دارند، اما انگار نتوانسته‌اند به مقصد و هدف‌های مورد نظر برسند؛ چرا؟

اگر مروری بر طرح‌ها و برنامه‌های ۶۰-۵۰ سال اخیر، یعنی از دهه ۱۳۴۰ تا ۱۴۰۰ داشته باشیم، درمی‌یابیم که با توجه به تحولات و اتفاقات

اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران، همواره طرح‌ها و برنامه‌هایی برای کشف، پرورش و به قابلیت‌رساندن استعدادها و علاقه‌های فرزندان این مرزوبوم وجود داشته‌اند. طرح‌ها و برنامه‌هایی دقیق و هدف‌گذاری شده، مانند راه‌اندازی دوره راهنمایی تحصیلی در دهه ۱۳۴۰ شمسی، ارائه درس‌های «حرفه‌وفن»، اجرای طرح‌هایی مانند «کاد» و همچنین گنجاندن هفته‌ای به نام «هفته معرفی مشاغل» در تقویم کاری مدرسه‌ها. فعالیت‌هایی از این دست هستند که نشان می‌دهند، شناسایی، کشف و هدایت استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان همواره موضوعی مورد توجه بوده است.

موضوعی که با پیچیده‌تر شدن دنیای مبتنی بر فناوری و دانش‌های نوین، اگرچه تغییر شکل داده، اما نه تنها از اهمیت و ضرورت آن کاسته نشده که در شکلی پیچیده‌تر و با ابعاد گوناگون مطرح شده است و همچنان مسئله روز آموزش و پرورش، خانواده‌ها، دانش‌آموزان و در یک کلام، مسئله‌ای فراگیر، ملی و اجتماعی محسوب می‌شود.

متأسفانه همه راه‌ها به آزمون سراسری و رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی ختم می‌شوند. شاید بتوان گفت دلیل شکست برخی و یا همه این طرح‌ها، همین سمت و سوگیری درس و مشق و مدرسه در مسیر آزمون سراسری و دانشگاه است که باعث شده همه توان و ظرفیت درونی و فکری دانش‌آموزان، خانواده‌ها و گاه نظام آموزشی ما در چنین مسیری صرف شود. به نحوی که گاه خانواده‌ها و اولیا انتظار دارند که نظام مشاوره و برنامه‌ریزی درسی ما هم در همین مسیر فعال باشد و هیچ تلاش و کوششی راه‌ولو عمیق، برنامه‌ریزی شده، هدفمند و به دنبال هدف‌های مترقی و سودمند، بر نمی‌تابند.

● در مجموع و با توجه به صحبت‌هایی که مطرح شد، شما چه پیشنهاد مشخصی دارید که بتوان تا حدودی از اثرات ناگوار آزمون سراسری دانشگاه‌ها که انگار فعلاً جایگزینی هم ندارد، بکاهیم؟

اعتقاد دارم، اگر آموزش و پرورش بخواهد بر اساس اسناد و مدارک بالادستی، مانند «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «برنامه درسی ملی» و ... حرکت کند، باید برنامه و نقشه‌ای برای معضلی مانند آزمون سراسری و سازمان‌ها، نهادها، مؤسسه‌های آموزشی و کمک‌آموزشی و دیگر دفتر و دستک‌هایی که در مسیر آن شکل گرفته‌اند، داشته باشد تا بتواند موفق شود. برنامه و نقشه‌ای که حتماً باید بخشی قابل توجه از آن مسیر برنامه‌ریزی درسی و مشاوره شغلی و تحصیلی بگذرد و طرحی روشن و کارآمد برای استعدادها و علاقه‌های دانش‌آموزان داشته باشد. البته علاوه بر آزمون سراسری که می‌تواند عاملی مهم در این خصوص باشد، باید به دیگر مانع‌ها، مشکلات و محدودیت‌ها هم توجه و عنایت شود.

اگر به دنبال پاسخ و برنامه‌ای مشخص باشیم، طرحی با عنوان «پروژه ابهت‌زدایی از رشته‌های علوم پزشکی و زیرمجموعه آن» در ذهن دارم. اگر توجه کنیم، در حوزه علوم انسانی قبلاً اکثر دانش‌آموزان رشته حقوق را انتخاب می‌کردند. معمولاً سهمیه رشته حقوق به دانش‌آموزانی تعلق می‌گرفت که در درس‌های اصلی درصدهای بالایی داشتند و می‌توانستند در این رشته که در گروه درسی علوم انسانی جایگاه اول را داشت، ادامه تحصیل دهند.

بعد از مدتی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران این حوزه که متوجه شدند تقاضا برای این رشته بالاست، عرضه آن را افزایش دادند. با اختصاص دادن سهمیه‌هایی به رشته حقوق در دانشگاه‌های دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی و پیام نور، بازار این رشته اشباع شد و هجوم و سیل تقاضا برای این رشته کاهش یافت. این موضوع باعث شد از رشته حقوق «ابهت‌زدایی» شود و فقط فارغ‌التحصیلانی که سواد و ظرفیت

لازم را داشتند، بتوانند با شرکت در دوره‌های تکمیلی و عالی، مراتب شغلی و حرفه‌ای را به دست آورند.

به همین روش، ما باید کنکور رشته‌های پزشکی را هم از سر راه و مسیر بچه‌ها برداریم تا هر دانش‌آموزی که علاقه‌مند به ادامه تحصیل در این زمینه است و البته شرایط عمومی و اولیه را برای این زمینه دارد، بتواند علوم پزشکی بخواند. ما می‌توانیم همانند دانشجویانی که رشته حقوق خوانده‌اند و معمولاً در خانواده‌های ایرانی در اکثر خانواده‌ها چنین فارغ‌التحصیلانی داریم، در رشته‌های پزشکی هم، حداقل در سطح پزشکی عمومی، افرادی را داشته باشیم که با توجه به استعداد و علاقه‌ای که داشته‌اند، بتوانند بدون مانع آزمون سراسری در این رشته تحصیل کنند. موضوعی که آن را «بهت‌زدایی از رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی» می‌نامم و گمان می‌کنم می‌تواند معضلی را که امروز دامن‌گیر جامعه و باعث شده است، فعالیتی مانند آزمون سراسری همه ارکان نظام آموزشی ما را تحت تأثیر قرار دهد، تا حدود زیادی برطرف کند.

● آیا سابقه و نمونه‌ای از این نوع اقدام در کشورهای دیگر سراغ دارید؟

بله! این طرح در کشورهای مانند روسیه، بلاروس و برخی کشورهای اروپایی اجرا می‌شود و همان گونه که اطلاع دارید، باعث جذب بسیاری از فارغ‌التحصیلان مدرسه‌های ایرانی هم شده است. یعنی جوانان می‌توانند با مانع‌های کمتر و استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده در رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی ادامه تحصیل دهند. با اجرای طرح «بهت‌زدایی از رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی» این فرصت به وجود می‌آید که دانشجویان ما به جای تحصیل در کشورهای بلاروس، روسیه، اوکراین و ... در کشور خودمان با شرایطی بهتر و سهل‌تر تحصیل کنند و تعداد بیشتری از فرزندان این مرزوبوم از مزیت‌های آن بهره‌مند شوند.

● معمولاً وقتی چنین صحبت‌هایی مطرح می‌شوند، از ممانعت‌ها و یا رقابت مؤسسه‌ها و مراکزی گفته می‌شود که در حوزه برگزاری کلاس‌های آزمون سراسری و چاپ کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی فعالیت دارند. نظر تان در این خصوص چیست؟

به نکته مهمی اشاره کردید. باید بگویم اتفاقاً اگر نظام آموزشی به‌درستی عمل کند، مراکز و مؤسسه‌های فعلی فعال در حوزه آزمون سراسری دانشگاه‌ها و چاپ و انتشار کتاب‌های آموزشی و کمک‌درسی نیز می‌توانند فعالیت اصولی خود را داشته باشند و با رعایت قوانین و استانداردهای تولید و چاپ کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی در این زمینه فعالیت کنند. این کار باعث خواهد شد که به جای تکرار افسانه‌ای با عنوان «مافیای کنکور»، زمینه فعالیت اصولی و مؤثر همه اجزای دخیل در این حوزه، و از جمله مراکز و مؤسسه‌های آموزشی و کمک‌آموزشی نیز فراهم شود. با شکل‌گیری کالج‌هایی برای تحصیلات علوم پزشکی، همه با هم برای کشف استعدادها و پرورش علاقه‌ها و توانمندی‌های فرزندانمان، حداقل در رشته‌ای مانند پزشکی که فعلاً خواهان و داوطلبان زیادی دارد، گام‌های اصولی و اساسی برداریم.

چنین طرح و برنامه‌ای به موضوع عدالت در شکل‌های اجتماعی،

فرهنگی و منطقه‌ای نیز کمک خواهد کرد. اگر دانشجویان مناطق محروم و کمتر برخوردار، مانند سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان و ... نتوانند در کالج‌ها و مراکز دانشگاهی در همان منطقه خود، علوم پزشکی بخوانند، عملاً به نیاز مردم آن منطقه به چنین رشته‌هایی پاسخ خواهیم داد.

● آیا فکر می‌کنید واقعاً می‌توان با چنین طرح‌ها و یا پیشنهادهایی از تندی تب آزمون سراسری و اثرات آن کاست؟

بله و جمع‌بندی صحبت‌های من این است که اگر بتوانیم با راهکارهایی حساب‌شده و دقیق و افزایش عرضه، به تقاضای فعلی برای تحصیل در رشته‌های پزشکی و پیراپزشکی پاسخ دهیم، دیگر تب آزمون سراسری همه‌ساله وجود دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان را فرا نخواهد گرفت و فشار روانی و اضطراب ناشی از آن ارکان وجودی آنان را نخواهد لرزاند.

در چنین وضعیتی اگر این ظرفیت افزایش یابد، فشار حاصل در پایان ۱۲ سال تحصیل برداشته شود، مؤسسه‌ها و مراکز فعال در حوزه آموزش‌های تکمیلی و ناشر کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی می‌توانند با امضای تفاهم‌نامه‌هایی با مراکز دانشگاهی و کالج‌های پزشکی و پیراپزشکی، تسوان و ظرفیت خود را برای کمک به دانشجویان تحصیلات تکمیلی و عالی‌تر به کار ببرند. در واقع، آن‌ها در رقابت سازنده برای ادامه تحصیل، از پایان دوره تحصیلی رسمی به دوره‌های تخصصی و تکمیلی انتقال خواهند یافت که با عنایت به شناخت، آگاهی و استعدادها برتری که قرار است در آن دوره‌ها ادامه تحصیل دهند، فشار کشنده فعلی از روی دوش بچه‌ها و خانواده‌های آنان برداشته خواهد شد.

● به موضوع اصلی گفت‌وگو برگردیم. از تجربه‌های دیگر کشورها در حوزه مشاوره و برنامه‌ریزی درسی بر ایمان بگویید.

طبق آنچه من از تجربه کشورهای دیگر در حوزه مشاوره و برنامه‌ریزی درسی و تحصیلی می‌دانم و اطلاع دارم، معمولاً امور این حوزه بر مبنای خواست دانش‌آموزان و بر اساس علاقه‌محوری است.

در دین مبین اسلام و در آیات، روایات و آموزه‌های دینی ما تصریح شده است که انسان‌ها متفاوت آفریده شده‌اند و اساساً همین تفاوت‌هاست که شخصیت هر انسانی را می‌سازد. در پناه همین تفاوت‌ها و توانمندی‌های گوناگون و متفاوت است که گوهر وجودی انسان شکوفا و باعث پیشرفت فرد، خانواده و اجتماع می‌شود. نتیجه اینکه ما با مطالعه تطبیقی در کشورهای مختلف و تجربه‌های فراوانی که در این زمینه داریم، متوجه می‌شویم که قدرت و توانمندی انسان‌ها در تفاوت‌های فردی آنان است و شناخت تفاوت‌های فردی در گرو شناخت، کشف و شکوفا کردن همین ظرفیت‌های وجودی است. چنین درکی ما را به اهمیت و جایگاه مشاوره و راهنمایی در زمینه‌های گوناگون واقف می‌سازد.

این در حالی است که نظام‌های آموزشی و از جمله نظام آموزشی ما، دانش‌آموزان را روی «تخت پروکروسستس» نظام آموزشی می‌خوابانند و او را در حد و اندازه‌ای که مورد نظر خودشان است و نه بر اساس استعدادها و علاقه‌هایی که دارد، در می‌آورند. موضوعی که باعث از بین رفتن و یا هدر رفتن استعداد فرد، کشتن خلاقیت و نوآوری، و در یک کلام مانع رشد و شکوفایی استعدادها می‌شود. در صورتی که مشاوران تحصیلی و متخصصان برنامه‌ریزی درسی و

همین‌طور است! هفته معرفی
مشاغل! باید به خوبی و به درستی
مورد توجه قرار گیرد و مدرسه‌ها و
مشاوران تحصیلی در مدرسه‌ها هفته
معرفی مشاغل را به صورت علمی و
اختصاصی پیش ببرند

تحصیلی، باید با برنامه‌های منظم، ضمن بررسی و شناسایی حرفه‌ای، استعدادها و علاقه‌های گوناگون دانش‌آموزان را کشف و ثبت کنند و ضمن توجه به ویژگی‌های فردی تک‌تک دانش‌آموزان، آنان را در انتخاب مسیری صحیح مبتنی بر استعدادها و ظرفیت‌های شخصیتی و اکتسابی آنان هدایت و زمینه‌رشد و توسعه وجودی آنان را فراهم آورند.

● خوب است در این میان اشاره مستقیم‌تری هم به نقش مشاوران مدرسه‌ها داشته باشید.

نقش مشاوران تحصیلی و شغلی از نظر فرهنگی هم مهم است. آنان باید دانش‌آموزان را آگاه کنند که کشف علاقه، استعداد و شناخت درست آنان از خود، نقشی مهم در رضایت آنان در طول زندگی خواهد داشت و در واقع، آینده و زندگی پیش روی آنان در گرو این شناخت و آگاهی است. در بحث «خودشکوفایی»^۲ این موضوع مطرح است که ما نباید به‌گونه‌ای عمل کنیم که انتخاب‌ها و شرایط اجتماعی و فرهنگی باعث شوند، فرد به دنبال رشته‌ای برود که هر چند ممکن است نان و آبی داشته باشد، اما با شخصیت، منش و علاقه‌های او هماهنگ نباشد. چون چنین امری ممکن است ثروت و مکننتی را برای فرد به همراه بیاورد، اما مانع از رضایت درونی، احساس آرامش و خوش‌بختی فرد و مانع از خودشکوفایی او خواهد شد. در حقیقت بحث مشاوره و راهنمایی که در حال حاضر در دوره‌های اول و دوم متوسطه صورت می‌گیرد، باید از همان دوره ابتدایی و حتی پیش از دبستان آغاز شود. همان‌طور که اشاره کردم، باید برای تک‌تک دانش‌آموزان پرونده حرفه‌ای تشکیل شود و احوال و وضعیت فردی آنان، به‌خصوص استعدادها و علاقه‌هایشان، در آن ثبت و ضبط شود تا امر راهنمایی در هر مرحله‌ای به‌صورت تخصصی، آگاهانه و مسئولانه صورت پذیرد. ما شاهد هستیم که در برخی از کشورها، افراد بر اساس علاقه‌ها و استعدادی که دارند، کشف و شکوفا شده‌اند. آنگاه تمامی گوهر عمر خود را مثلاً برای مطالعه روی یک گونه گیاهی یا حیوانی جدید گذاشته‌اند. اتفاقاً چون تلاش، ممارست و پشتکار داشته‌اند، حاصل عمرشان در خدمت رشد و توسعه بشریت قرار گرفته است و خودشان نیز از زندگی و حیاتی که طی کرده‌اند، راضی هستند.

● در پایان اگر نقطه نظر، نقد و انتقادی درباره این نشریه دارید، بفرمایید.

لازم می‌دانم مراتب سپاس و قدرشناسی خودم را از دوستان و همکاران عزیزی که در «دفتر انتشارات و فناوری آموزشی» در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، در حوزه مجلات متنوع و مؤثر رشد فعالیت می‌کنند و این فرصت را در اختیار بنده قرار دادند تا با مخاطبان اندیشمند آن مجله، و به‌خصوص مشاوران محترم مدرسه‌ها صحبت کنم، اعلام کنم.

ما باید در فرایند «شایسته‌سالاری» و «شایسته‌گزینی» به این امر مهم توجه داشته باشیم که به هر میزان همکاران ما در حوزه‌های ستادی، افرادی توانمند، شایسته و کارآمد باشند، همکاران آن‌ها در مناطق آموزشی و مدرسه‌ها که کانون قدرت آموزش و پرورش هستند،

کارایی و اثرگذاری بیشتری خواهند داشت. امری که همکاران من در وزارت آموزش و پرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی حتماً به آن توجه دارند و بر آن مراقبت می‌کنند.

خوشبختانه از زمانی که معلم بوده‌ام، تاکنون که عضو گروه آموزش و پرورش دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی هستم، مجلات رشد و به‌خصوص «رشد آموزش مشاوره» را مطالعه کرده‌ام و اعتقاد دارم که مجله‌ای مفید و کارآمد برای طیف وسیع مخاطبان این مجله است. بخش زیادی از کار ما در این گروه، بررسی و تحلیل محتوای آموزشی و درسی است که بخش عمده‌ای از آن‌ها در همین رسانه‌های آموزشی، و از جمله مهم‌ترین آن‌ها، یعنی مجله‌های رشد به چاپ می‌رسند.

این رسانه‌های آموزشی همراه نظام آموزشی نوین کشور هستند و از قابلیت‌های فراوانی برای تکمیل و توسعه مواد آموزشی و درسی برخوردارند. از سوی دیگر، انبوه مخاطبان این رسانه‌ها و نشریات، دانش‌آموزان، معلمان، خانواده‌ها، دانشجویان مرتبط در حوزه‌های گوناگون، و اندیشمندان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش هستند که طیف وسیع و مهمی را تشکیل می‌دهند و می‌توانند تأثیرگذاری زیادی داشته باشند.

پیشنهادم این است که برای روزآمدی و کارآمدی بیشتر این نشریات تلاش شود تا ارتباط بین فعالیت‌های صف و ستاد، یعنی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و مدرسه‌ها، بیش از پیش تقویت شود. همچنین در یک ارتباط گسترده و مستمر باید ارتباط بین این نشریه‌ها با خانواده‌ها، مدرسه‌ها و مراکز دانشگاهی تقویت شود تا بتوانند با قوت و قدرت بیشتری امور محوله را به پیش ببرند و ضمن نیازسنجی از خانواده‌ها و جست‌وجوی راهکارهای مناسب با مشارکت دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، بتوانند مطالب و مواد آموزشی و جذابی را برای مدرسه‌ها، مدیران، معلمان و دانش‌آموزان فراهم آورند. در این میان، ارتباط وثیق‌تر و وسیع‌تر با دانشکده‌های علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم تربیتی در دانشگاه‌های مرتبط، می‌تواند در نقش‌آفرینی برای هدف‌های مهم در توسعه آموزش و پرورش و تقویت رابطه دانشگاه و حوزه تعلیم و تربیت، بسیار تأثیرگذار و مفید باشد.

در شرایط پسا‌کرونا و ضرورت آموزش‌های مجازی، باید به این مهم توجه داشته باشیم که رسانه‌ها جایگاه خاصی دارند و می‌توانند در شرایط جدید، برای برقراری ارتباط همه‌جانبه بین دانش‌آموزان، خانواده‌ها و مدرسه‌ها، بیش از پیش نقش‌آفرین باشند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در اساطیر یونان باستان، از شخصیتی به نام پروکروستس نام برده شده است. او همه مسافرانی را که قصد ورود به آتن داشتند، روی تختی می‌خواباند و اگر مسافری کوتاه‌تر از اندازه تخت بود، آنقدر او را می‌کشید تا اندازه شود. اگر هم بلندتر بود، پاها یا دست‌هایش را قطع می‌کرد. از نظر پروکروستس تنها اشخاصی درست و کامل بودند که به اندازه تخت او باشند. داستان آن تخت، روایت قاب‌های ذهنی و پیش‌داوری ما انسان‌ها درباره دیگران است. 2. self-actualization